

تاریخچه تحولات حسابداری و مالی در ایران

دکتر آذر مسلمی

(استادیار دانشگاه آزاد اسلامی خمین)

دکتر راحله همایونی

(استادیار دانشگاه آزاد خمین)

داود فراهانی

(دانشجوی ارشد دانشگاه آزاد خمین)

محمد علی باقری حجاز

(نویسنده مسئول، دانش آموخته کارشناسی ارشد خمین)

چکیده:

تحولات مالی در جهان نزدیک به ۶۰۰۰ سال قدمت دارد و تاریخ نخستین مدرک کشف شده مالی در جهان، لوحه‌های سفالین از تمدن سومر در بابل (Babylon) است و قدمت آن به ۳۶۰۰ سال قبل از میلاد می‌رسد و از پرداخت دستمزد تعدادی کارگر حکایت دارد. پیشینه مالی در ایران نیز به نخستین تمدنهایی بر می‌گردد که در این سرزمین پا گرفت، و مدارک مالی بدست آمده با ۲۵ قرن قدمت، گواه بر پیشرفت این دانش در ایران باستان است. در طول تاریخ، روشهای مالی متنوع و متعددی برای اداره امور حکومتی و انجام دادن فعالیت‌های اقتصادی ابداع شد، که در پاسخ به نیازهای زمان، سیر تحولی و تکاملی داشته است. ممیزی املاک در تمدن ساسانی (در جریان اصلاحات انوشیروان، به منظور تشخیص مالیاتهای ارضی، کلیه زمینهای مزروعی کشور ممیزی و مشخصات آن از جمله مساحت، نوع زمین و نوع محصول در دفتری ثبت می‌گردید.) و تکامل حسابداری برای نگهداری حساب درآمد و مخارج حکومتی در دوران سلجوقیان (نگارش اعداد را به صورت علائمی کوتاه شده از نام اعداد عربی، حساب سیاق می‌نامند. از جمله در تمدن باستانی سومر (SUMMER) نظام مالی جامعی برقرار بود و کاهنان سومری علاوه بر نگهداری حساب درآمدهای حکومتی، به نحوی موجودی غلات، تعداد دامها و میزان املاک حکومتی را محاسبه می‌کردند.)

واژگان کلیدی: نظام مالیاتی - حسابرسی - هخامنشیان - صفویان - قاجاریان

مقدمه

بطور کلی میتوان تاریخ حساب را قبل از تاریخ خط و کتابت و از زمان انسانهای ابتدائی تلقی کرده و شمارش را اولین رابطه کمی و عملی انسانها دانست زیرا قدیمیترین مدارک مکتوب در جهان از صورتحساب و واژهنامهها تشکیل میگردد. و بالطبع نگاهداشتن حساب چیزها یکی از نیازهای انسان اجتماعی است حسابداری و حسابداری از عصر سومریها آغاز و در عصر رنسانس در اروپا حسابداری بعنوان دفترداری دوطرفه وجود پیدا کرده است و سپس دولتها بعنوان اهرم کنترل دخل و خرج از آن استفاده نموده‌اند. «سیستم ثبت و ضبط معقول» ناشی از مسئولیت حکمرانان در برابر مردم و در میان سلسله مراتب خود جایگاهی ویژه پیدا کرده و در ایران نیز از دوره هخامنشیان نظام مالی وجود داشته است. بعد از اینکه ایرانیان به دین اسلام مشرف شدند در اداره امور حسابرسی مشاغلی چون وزیر و الی، حاسب (به کلیه کارکنان امور مالی که در محاسبات دخل و خرج مملکت فعالیت داشته‌اند «حاسب» گفته میشده)، قاسم، عامل زکات و امثالهم وجود داشته است. در دوره صفویه و قاجاریه امور مالی از اوضاع بهتری برخوردار شده بطوریکه امیرکبیر اولین وزارتخانه (مالیه) را تأسیس نمود و از سال ۱۲۲۵ هجری قمری یکی از رشته‌های مدرسه دارالفنون به «حسابداری» اختصاص داده شده و به فارغ‌التحصیلان این رشته مدرک ارائه میشده است. بعد از تصویب متمم قانون اساسی در ۱۲۸۶ هجری شمسی «محاسبات» و «تفریح حساب جاری» مطالبی است که زیر بنای حسابداری و حسابرسی را تعیین نمودند.

می‌توان تاریخچه سیستم‌های حسابداری و مالی در ایران را در ادوار زیر مورد مطالعه قرار داد:

ایران قبل از اسلام - ایران بعد از اسلام تا دوران قاجاریه - از دوران قاجاریه تا انقلاب مشروطیت - از انقلاب مشروطیت تا اوایل دهه چهل - از اوایل دهه چهل تاکنون و همچنین ما در این مقاله به اهمیت موضوعات چون الف: نقش حسابداری در نظام اقتصادی ب: نقش تحولات مالی در پیشرفت جامعه ج: بررسی تحولات مالی از قدیم تا کنون د: مشکلات نظام مالی در دوره هخامنشیان و: مشکلات نظام مالی در زمان پهلوی می‌پردازیم.

حسابداری در ایران باستان

استفاده از مفاهیم «علم حساب» که امروزه به شیوه تکامل یافته‌ای در علم حسابداری تبلور یافته، با تمدن بشر همزاد است. برخلاف تصور فعلی که ظهور «علم حسابداری» را مربوط به دوران صنعتی شدن می‌داند، از دوران باستان شاهد استفاده از «روشهای کنترل مالی» بوده‌ایم. آغاز علم حساب، قبل از اختراع و به کارگیری خط بوده است و به استناد داده‌های باستان‌شناختی به دست آمده از شوش و در زیر لایه‌های تپه «اکروپول» که از نظر تاریخی سالهای ۳۵۰۰ تا ۳۰۰۰ پیش از میلاد را در بر می‌گیرد، تعدادی از اشیای شمارشی به شکل مخروط، گره (تبله) و میله (باتونه) به دست آمده است (محمدی‌فر، ۱۳۸۵). علاوه بر شوش، در «چغامیش» در نزدیکی شوش نیز داده‌هایی مثل مهره‌ها و گلوله‌های شمارشی و همچنین گِل نوشته‌های اقتصادی که نشان‌دهنده‌ی شمارش است، به دست آمده است (محمدی‌فر، ۱۳۸۵). از میان داده‌های به دست آمده، اطلاعات مربوط به شیوه‌های حسابرسی در عصر هخامنشیان درخور توجه است. خانم پروفیسور هایدماری کخ (Heid Mary Kokh) در کتاب «از زبان داریوش» و برطبق اسناد حفاریهای سالهای ۱۹۳۳-۱۹۳۴م، (و همچنین ۱۹۳۶-۱۹۳۸م) در تخت جمشید و با یافتن حدود ۳۰ هزار لوح گلی که به خط عیلامی بوده، اطلاعات گرانمایی را ارائه کرده است. این لوحها متعلق به «بایگانی دیوانی داریوش» بوده است. متن این لوحها بیشتر کوتاه و حاوی مطالبی درباره‌ی درآمدها و هزینه‌هاست (محمدی‌فر، ۱۳۸۵).

بشر ابتدا شمارش را با انگشتان دست و پا انجام می‌داد، لیکن بعدها واحدهای اندازه‌گیری مانند «وجب» و «قدم» به وجود آمد. در واقع سیستم «دهدهی» امروز که برای بیان کمیت‌ها به کار می‌رود، از به کار بردن انگشتان دست برای شمارش ناشی شده است (همشهری، ۱۳۸۷/۳/۱۱). برخی از پژوهشگران دانش واژه‌شناسی بر این باورند که ریشه واژه دیجیت (Digit) که امروزه به معنای «رقم» و «انگشتان دست» به کار می‌رود، ایرانی است. بر پایه نظر برخی از محققان واژه دیجیت از دیشتی (dishti) اوستایی و به همان معنا گرفته شده و واژه «دست» در فارسی امروزی نیز بر گرفته از آن است (ضمیمه جام‌جم، ۱/۲۳/۱۳۸۸). هر عدد کمتر از ۱۰ را دیجیت (digit) می‌گویند (صدری، افشار، ۱۳۷۳).

تاریخچه تشکیلات مالی ایرانیها

ایرانیان قرن‌ها به خبرگی و مهارت در امور مالی، محاسباتی و حسابداری، زبانزد جهانیان بوده‌اند؛ به طوری که نظام مالی و اداری امپراتوری بیزانس در قرن هفتم میلادی، به تقلید از اصلاحاتی بوده که در قرن ششم میلادی در تشکیلات مالی، اقتصادی، پولی و حسابداری ایران به دست انوشیروان صورت گرفته است. برخی از اصطلاحات بانکداری امروز از قبیل واژه «چک» از اصطلاحات فارسی قدیم بوده که به غرب راه یافته است. علاوه بر این، کلمه «دوان» در زبان فرانسه که به معنای «گمرک» می‌باشد، از لفظ فارسی «دیوان» گرفته شده است (آزمون، ۱۳۸۵). همچنین، کلمه «کراسه» در زبان فارسی باستان به معنای «دفتر و دستک» (حساب و کتاب) آورده شده است (آزمون، ۱۳۸۵).

نخستین مهارتها در گستره موضوعهای مالی، بانکی و حسابداری در ایران را به استناد الواح کشف شده در «بابل» و به دوران «فریدون» نسبت می‌دهند. در دورانی که می‌توان بابل را پایتخت ایران به حساب آورد، اسناد و قراردادهای مالی مهم نوشته بر گل را در کوره می‌پختند تا از خطر نابودی ایمن بماند (آزمون، ۱۳۸۵). مخارج بزرگان دربار و حتی شخص پادشاه، بدون استثنا و به دقت بازرینی و حسابرسی می‌شده است (Tarikhema.ir).

لوحهای دیوانی تخت جمشید

در لوحهای فراوان گلی که از قسمت خزانة تخت جمشید به دست آمده است (و با کمال تأسف همه آنها از ایران خارج و به ویژه به امریکا برده شده)، روشن می‌شود که در زمان حکومت هخامنشیان سازمان اداری گسترده و منظمی وجود داشته که به همه‌ی زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی کشور رسیدگی می‌کرده است. صورت کارگاه‌های خیاطی و فرش بافی و مبل سازی و میزان محصول کشتزارها، دامداری‌ها و سهم ماهانه هر یک از کسانی که به کار مشغول بوده‌اند و دهها حساب دیگر در مرکز استانها نگهداری می‌شده است (شهریاری، ۱۳۸۰). الواح و اسناد پرسپولیس جنبه داستانی و روایتی ندارد، بلکه واقعیت عینی در این اسناد به وضوح مشخص است. عمده این اسناد، به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱- «الواح استحكامات» (قلعه)، مربوط به عملیات گردآوری، انبارداری و توزیع مواد غذایی و آذوقه است. استفاده‌کنندگان از این مواد عبارت بوده‌اند از شاه و خانواده او، صاحب منصبان رتبه دیوانی (سازمان اداری)، «کاهنان» (یا خدمتگذاران دینی)، چارپایان و به خصوص کارگرانی که در دبیرخانه‌ها و تأسیسات کشاورزی روستاها و کارگاه‌های تبدیل مواد پرسپولیس کار می‌کردند.

۲- «الواح خزانه»، مربوط به واریز جیره به صنعتکارانی است که در کارگاههای دوران داریوش و خشایارشا و اردشیر اول کار می‌کرده‌اند. در سالهای ۴۹۴ - ۴۹۳ قبل از میلاد، بخشی از جیره آنها به صورت پول و نه به شکل محصولات غذایی، به آنها پرداخت می‌گردید (کریم آبادی، ۱۳۸۵). محتوا و مضمون لوحهای تخت جمشید این باور را پیش روی قرار می‌دهد که «اسناد داخلی و حسابداری» کارکنان تخت جمشید، در واقع یک بایگانی اداری بوده است.

دوره عیلامی

در زمان فرمانروایی داریوش، اسناد دیوانی به خط عیلامی نوشته می‌شد. خشایارشا نیز همین روش را داشت. هنوز هم از زمان اردشیر، اسناد محاسبات دیوانی به خط عیلامی بر جای مانده است (رجبی، ۱۳۷۶). در دوره تمدن عیلامی نیاز به استفاده از فنون مالی از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. آنچه از کاوشهای علمی در دوره عیلامی به اثبات رسیده، وجود املاک وسیعی است که از طرف طبقه حاکم به خدایان اهدا می‌شد و این املاک در اختیار کاهنان قرار می‌گرفت. بنابراین به دلیل وجود «درآمد»، ضرورت جمع‌بندی اطلاعات حسابداری نیز احساس شد. شواهد نیز تأییدکننده این واقعیت است. به عنوان مثال، طبق سندی که از «شوش» به دست آمده، مشخص شده است که الهه ایلامی «انونیتوم» یک مزرعه بزرگ را با احترام توسط کاهن خود اجاره داده است (محمدی‌فر، ۱۳۸۵).

داریوش و امور دیوانی

در عصر هخامنشیان و به‌ویژه در دوران داریوش اول، نظام اقتصادی به گونه‌ای سامان‌یافته بود که دولت هرگز با «مشکلات مالی» برخورد نمی‌کرد و در عین حال طبقات مختلف مردم نیز تحت فشار سنگین نبودند. نکته درخور توجه دیگر در تنظیم سیاستهای اقتصادی عصر داریوش، تعیین «منبع خراج» از سوی حاکم پس از مشورت با حاکمان ایالتها بود. داریوش نخستین کسی است که دفتر دولتی خراجگذاری را منتشر کرد. او فهرست خراج همه ایالتها را مشخص و منتشر کرد تا همه ایالتها از میزان خراج اطلاع داشته باشند (کریم آبادی، ۱۳۸۵).

سیستم حقوق و دستمزد

در «اوستا» درباره مزد کارگران یا حق‌الزحمه، از چارپایان ذکر شده است، چنان که در فصل هفتم «وندیداد» در چند قسمت، از «حق‌القدم» پزشک یاد شده است. در دوران هخامنشی، دادوستد و پرداخت مواجب و مزد کارگران و صنعتگران بیشتر «جنسی» بود و علی‌الرسم «گوسفند» پایه و میزان پرداخت بوده است. همچنین، مقداری از آن را به شکل (Shekel) و بقیه را به تناسب مزد، گوسفند داده‌اند یا آن را فقط با پول رایج هخامنشی یعنی «شکل» پرداخته‌اند (فرقاندوست حقیقی،

۱۳۸۵). طبقه‌بندی دستمزدها، بسیار غنی و از جهاتی چنان مدرن است که گاه پیشرفته‌تر از امروز به نظر می‌آید.

«کارمندان دیوانی» نیز دو رده بسیار متفاوت داشته‌اند: اول اربابان و آزادان، دوم خدمتکاران و پادوها. مزد کارگران به‌طور عمده به صورت «جنسی» پرداخت می‌شد و پایه اصلی محاسبه آن «جو» (به‌عنوان سکه) و حداقل مزد یک مرد، ۳ (سه) «بن» جو در ماه بود. یک «بن» برابر با ده «دقه» و هر دقه برابر با، هم حجم ۰/۹۷ لیتر جو (تقریباً معادل یک کیلوگرم جو) بود. بنابراین یک «دقه» نزدیک به هم حجم یک لیتر جو می‌شد که به زحمت از آن نیم کیلو نان می‌پختند (رجبی، ۱۳۷۶). پایین‌ترین سطح حقوق، یعنی هم حجم ۳۰ لیتر جو در ماه، به خدمتکارها و پادوها تعلق می‌گرفت که با دستمزد «کارگران خارجی» هم‌سطح بوده است. از این کارگران که از لیکیه، تراکیه و یا از بلخ می‌آمدند، بیشتر برای برداشت محصول استفاده می‌شد. همه کارگرانی که حداقل جیره را می‌گرفتند، به عنوان و مناسبت‌های گوناگون «اضافه درآمد» داشتند. به‌طور منظم، شاید هر دو ماه یک بار «پاداش» دریافت می‌کردند که اغلب هم حجم یک لیتر جو و نیم لیتر نوشیدنی بود (رجبی، ۱۳۷۶). به این پاداشها باید جیره‌ای را که «دیوان اداری» به نام «کمک شاهانه» به کارگران می‌داد، افزود. تقسیم این کمکها به عهده سرپرست ویژه‌ای بود که «مفتش» خوانده می‌شد (رجبی، ۱۳۷۶).

میزان دریافتی گروهی از حقوق‌بگیران رده‌های بالا، چشم‌گیر بود و از همه بالاتر دریافتی «رئیس تشریفات» بود که همه «تشکیلات دیوانی پارس» یعنی هسته مرکزی حکومت ایران، را زیر نظر داشت. حقوق ماهانه او، عبارت از هم حجم ۵۴۰۰ لیتر جو، ۲۷۰۰ لیتر نوشیدنی و ۶۰ رأس بز یا گوسفند بود (رجبی، ۱۳۷۶).

سازمان اداری و مالی پارس و حسابداران خبره

تا مدت‌های دراز چنین گمان می‌رفت که تخت‌جمشید تنها به منظور نشان دادن قدرت داریوش و جانشینان وی برای برگزاری جشنها و آیین نوروزی بناشده است، در صورتی که اکنون به کمک «الواح دیوانی» مشخص شده که تخت‌جمشید، «مرکز کل سازمان اداری و مالی پارس» بوده به طوری که سررشته تمام امور مالی در تخت‌جمشید به هم می‌پیوسته است. (رجبی، ۱۳۷۶). بدون تردید سهم عمده‌ای از عظمت دوران داریوش هخامنشی را می‌توان نتیجه دقت، کنترل، نظارت و سیستم منحصر به فرد «اداری و مالی» آن دوره به حساب آورد. «حسابداران خبره» که در

فارسی باستان همره کره (Hamarak) نامیده می‌شدند، سیستم حسابداری منظم و دقیقی ایجاد می‌کردند و به طور سالانه، خزانه‌های کشور را مورد حسابرسی قرار می‌دادند (آزمون، ۱۳۸۵).

خزانه‌دارها

یکی از بلندپایه‌ترین مقامات سازمان مالی هخامنشی، خزانه‌دار بوده است. این عنوان به فارسی باستان گنزه بره (Ganzabara) خوانده می‌شد. خزانه‌های کشور زیر نظر «خزانه‌دار» تخت جمشید که مسئول اداره کردن «نوزده خزانه» در کل کشور بود، قرار داشت. انبوهی از افراد متبحر و آموزش دیده در «امور مالی، حسابداری و حسابرسی» در این خزانه‌ها مشغول به کار بوده‌اند. خزانه‌ها علاوه بر جمع‌آوری و نگهداری اموال نقدی و جنسی، مسئولیت نظارت مستقیم در تولید انواع محصولات را نیز به عهده داشته‌اند. تعداد کارگران خزانه در خزانه‌های مختلف، گوناگون بوده است. مثلاً خزانه شیراز تا ۲۳۱ کارگر داشته و یا در تخت جمشید در یک سال، از ۱۳۴۸ کارگر خزانه نام برده شده است. کرکیش (Karkis)، چوته یاوده (Cutayavda) و برته کامه (Bartakama) بدون شک سه تن از خزانه‌داران نامی زمان داریوش بوده‌اند که علاوه بر آنکه منشا تحولات شگرفی در نظام مالی، حسابداری و حسابرسی داریوش شدند، امپراتوری وسیع و قدرتمند هخامنشی را به مدت بیش از دویست سال به قدرت بی‌رقیب جهانی تبدیل کردند (آزمون، ۱۳۸۵).

نظام کنترل هخامنشی

نظام کنترل هخامنشی تنها در جمع‌آوری و بایگانی اسناد خلاصه نمی‌شد، بلکه هر دو ماه یک بار باید گزارشی از عملکرد همه حوزه‌ها تهیه می‌کردند. این روند، کار کنترل مرکزی در تخت جمشید را آسانتر می‌کرد. خوشبختانه به تصادف، در میان لوح‌های به دست آمده گاهی هم اسندهای یک حوزه و هم گزارش جمع‌بندی (دو ماه یا سالانه) این اسندها موجود است. مثلاً از حوزه کرد و شوم (Krdusum) در منطقه عیلام، گزارش عملکرد دو ماه سال بیست و دوم، (۵۰۹ پ م) به دست آمده است. از اغلب «سندهای منفرد» این محل گزارش جمعی نیز در دست است. برای «سندهای متفرق»، نمونه‌ای نیز از گزارش سالانه در دست است. در این گزارش، همه «دریافته‌ها و پرداختها»ی یک سال در یک جا جمع شده است. بدیهی است که لوح‌های گزارش دو ماهه یا سالانه، اندازه بزرگتری داشته‌اند (رجبی، ۱۳۷۶).

در تسویه حسابها گاهی به «اعداد منفی» برمی‌خوریم. برای مثال، در سال ۵۰۲ پیش از میلاد در آبادی «پرمیه» برای یک حق‌الاجاره ۲۲۳۰ لیتری جو، ۴۰۰ لیتر کسری ثبت شده است. معمولاً

این کسری‌ها را در سالهایی که محصول زمین بهتر بوده است، باز پس می‌گرفتند. ظاهراً این مقدار اضافی از طرف دیوان به صورت قسط بدهی محاسبه شده است. در برخی از حسابرسی‌ها، بخش معینی برای «دریافتهای اضافی» به چشم می‌خورد. موقعی که از این گزارشها به تعداد زیادی برای یک سال معین در دست باشد، پی می‌بریم که آن سال باید سال وفور نعمت و سال «بازپرداخت دیون» بوده باشد (رجبی، ۱۳۷۶).

ثبت هزینه‌ها در هر ایستگاه پستی به وسیله یک نفر «حسابدار» که با در اختیار داشتن گیل تازه، آماده ثبت «هزینه‌ها و رویدادهای مالی» بوده، انجام می‌شده است. مأموری که مهرش را پس از دریافت جیره بر لوح می‌زد، باید دو لوح دیگر را نیز مهر می‌کرده است؛ زیرا از هر سند دو رونوشت دیگر تهیه می‌شده که یک نسخه برای «واحد حسابرسی و نظارت» محلی که جیره تحویل می‌شده، ارسال می‌گشته و نسخه دیگر به‌طور مستقیم به مرکز تخت جمشید برای «ثبت و کنترل» فرستاده می‌شده است. (آزمون، ۱۳۸۵).

نظام حسابرسی

بررسی‌ها نشان‌دهنده این واقعیت است که در اعصار کهن به فراخور گستردگی حکومتها، از روشهای کنترل مالی استفاده می‌شده است. در این شیوه شمارش، اسناد و مدارک معبد اوروک (Uruk) و لوح امارسین (Amarsin) مورد مطالعه قرار گرفته و سپس «سنگ‌نوشته حمورابی» به عنوان سند تاریخی بررسی شده است (محمدی‌فر، ۱۳۸۵: ۱۳۹). برخی از نویسندگان مانند دو فن مونییه (DauphinMeunier) معتقدند که بدون تردید سومریان با نظام حسابرسی آشنا بوده‌اند. بسیاری از اسناد حسابرسی از معابدی نظیر «معبد قرمز اوروک»، نشان‌دهنده گسترش استفاده از مفاهیم علم حسابداری بوده است (محمدی‌فر، ۱۳۸۵). اندره لایک من (AndreLeickman) باستان‌شناس معروف، «امارسین» را چنین توصیف می‌کند: «این لوح در نوع خود دفترچه‌ای است که بر روی آن حسابها، عایدی‌ها و هزینه‌ها در بخشهای مختلف و در ستونهای متعددی نوشته شده‌اند. متن لوح، «حساب مواد مصرفی» و تعداد روزهای کاری کارگران را نشان می‌دهد. ریز جزئیات فهرست «نیروی کار»، «مواد به کاررفته»، نظیر «چوب درخت خرما»، «نی‌های بافته‌شده»، «حصیر»، «کل مواد هزینه‌شده» و «تفاوت آن در خصوص کم یا زیاد بودن با مواد صورتحساب‌شده» در کارگاه‌ها را نشان می‌دهد» (محمدی‌فر، ۱۳۸۵). وجود اسناد تاریخی حسابداری که در آن، «افزایش حساب» در بالا و «کاهش حساب» در پایین (اسناد معبد اوروک) نشان داده شده و یا «لوح امارسین» که منبع مالی و «موارد استفاده سود

کشاورزی» را در طول یک سال جمع‌بندی کرده است و نیز اسناد مالی تحلیل شده «عصر هخامنشیان» و سایر گزارشهای مالی - حسابداری، نشان می‌دهد که جدا از ثبت داده‌های مالی، صورتهای مالی نیز از اهمیت برخوردار بوده‌اند (محمدی‌فر، ۱۳۸۵).

حسابرس کل

در سیستم مالی هخامنشیان، سر حسابرسیایی نیز وجود داشته‌اند که به کلیه درآمدها و دریافتی‌ها از فراورده‌های کشاورزی تا مالیات و پرداختها، تسلط کافی داشتند. به‌عنوان نمونه، در منطقه عیلام به فردی بنام مرننشانه (Mrntshnah) با سمت «کنترل حسابرسی» با مَهر شماره ۵۷ بر می‌خوریم که به کلیه درآمدها و دریافتها از فراورده‌های کشاورزی تا مالیات و پرداختها تسلط کافی داشته است. وی مسئول اقدام لازم برای دریافت «مازاد درآمد» نیز بوده است. در رأس این حسابرسها، «حسابرس کل» قرار می‌گرفته که سمت کنترل حسابرسی‌های منطقه را بر عهده داشته است. البته در برخی از موارد کشاکشهایی نیز با کارمندان سهل‌انگار داشته و ناگزیر بوده است، برای این که سرانجام «صورتحسابی» به‌دستش برسد، «اخطارهایی» نیز صادر کند، برای مثال همین «مرنشانه» در لوحی آورده است: "چرا حساب درآمد از بابت بهره سال نوزدهم، میوه آبدی زرشویش (Zarsvatis) در ماه ۶ از سال بیست و دوم، به او رسیده است".

به این ترتیب معلوم می‌شود که با نظام دیوانی فوق‌العاده دقیقی سروکار داریم که انبوهی کارمند در اختیار داشته است. حساب «درآمد و مخارج» باید با دقت ثبت می‌شد و سندها را از هفت‌خوان کنترل می‌گذرانید تا سرانجام از بایگانی تخت‌جمشید سر درآورد (رجبی، ۱۳۷۶؛ محمدی‌فر، ۱۳۸۵). مرننشانه، نه تنها ترازنامه‌های بزرگ را «کنترل» می‌کرده، بلکه «مسئولیت انبارغله» نیز با او بوده، همچنین «حساب و کتاب بذرهای» آن حوزه نیز در اختیار او بوده است. حتی روی سند مربوط به «شترهای یک ملک» و نیز «حسابرسی» مربوط به «شراب» (که به منزله بهره میوه ثبت شده بوده) مَهر او خورده است (رجبی، ۱۳۷۶).

سیستم محاسباتی و نظارتی داریوش

در تخت‌جمشید از حدود سی‌هزار لوح گلی به خط میخی عیلامی، تعداد حدود «شش هزار لوح تقریباً سالم» به دست آمده است که حاوی مطالب کوتاه و ارزشمندی در باره نحوه تنظیم دفترهای درآمد و مخارج و سیستم نظارتی و حسابرسی بی‌نظیر داریوش بوده است (آزمون، ۱۳۸۵). خیر داریم که نگهداری کاخ‌های «مدنه و کونگا» زیر نظر کارگزاری به نام شلامانو (Shalmanu) بوده است. دیوان‌سالاری حتی برای ملکه نیز استثنا قایل نمی‌شد و اسناد لازم برای محاسبه درآمد

و مخارج وی را مطالبه می‌کرد (رجبی، ۱۳۷۶). سیستم نظارتی داریوش چنان دقیق و منظم بوده است که حتی نزدیکان او ناگزیر از پذیرش دقیق حسابرسی سالانه کلیه درآمدها و مخارجشان بوده‌اند. برای نمونه، می‌توان به یکی دیگر از الواح ترجمه‌شده اشاره کرد که در آن ارتیستونه (Artystone) یکی از همسران داریوش، به کارگزار خود یعنی «شلامانو» دستور می‌دهد، هزار لیتر نوشیدنی از موجودی کاخش واقع در آبادی کوگنکا (Kugank) در اختیار حسابرسی به نام گاوشه پانه (Govshapana) بگذارد که مربوط به بدهی ایجادشده ناشی از مخارج یکی از سفرهای وی در قلمرو امپراتوری بوده است (آزمون، ۱۳۸۵). این مقدار نوشیدنی بدون تردید به‌عنوان حقوق حسابرس نبوده است. شاید حسابرسِ املاکِ ملکه «اریستونه» به این نتیجه رسیده باشد که این مقدار نوشیدنی، علاوه بر پرداختهای قبلی، برای اجرت مستخدمان مورد نیاز است (رجبی، ۱۳۷۶).

درستی ترازنامه‌ها

بررسی درستی (تصدیق) ترازنامه‌ها با سه کارمند بوده است. به‌عنوان مقام اول، از کسی که مسئول بخش مربوط در آبادی مربوط بوده، نام برده می‌شود. مثلاً وقتی که «حسابرسی غله» انجام می‌شد، اولین مسئول مربوط، «رئیس کل انبار» نامیده می‌شد. پس از رئیس کل انبار، مقام دوم، همیشه یک «آتش ریز» بود. این «مقام رسمی روحانی محل» بود که از سوی حکومت برای انجام آیین‌های دولتی تعیین می‌شد. او باید همزمان «امور اداری» را کنترل می‌کرد و با مهر خود، مسئولیت صحت صدور سند را به‌عهده می‌گرفت. مقام سوم، «نگهبان انبار» نامیده می‌شد که اغلب به تأکید در زیر اسناد آمده است. حسابرسی در مجموع توسط این سه مقام انجام می‌شده است (رجبی، ۱۳۷۶).

اشاره به نام حساب‌رسان

در ترازنامه‌های سالانه بندرت به نام حساب‌رسان اشاره شده مثلاً: مسیکه (Masika)، حسابرسی سال هجدهم و نوزدهم را در سال نوزده انجام داده است (رجبی، ۱۳۷۶). همچنین در آغاز گزارشی درباره‌ی «غله» آمده است: "حسابرسی سالهای ۱۸ و ۱۹ در دژ هومیاسه (Humyasa) انجام گرفت. بازرس دربار به نام تخمرزما (Taxmarzma) و آتش‌بان به نام رته زوشته (Rtazusta)، انباردار بگینه (Bayina) جمعاً سه نفر این حسابرسی را به انجام می‌رسانده‌اند" (رجبی، ۱۳۷۶).

نگهبانان

وقتی که «مسیکه» به خاطر کار زیاد نتوانست شخصاً همه موارد را کنترل کند، آن قدر محتاط و زیرک بوده که این ناتوانی را عیناً بر لوح بیاورد. به این ترتیب او فقط به گفته‌ی مسئولان مربوط

اعتماد کرده و نوشته است: "ذخیره نگهبانان انبار را در مکنه (Makan) خود ندیدم (لذا)، «حسابها» را بر اساس گفته نگهبانان انبار انجام دادم" (رجبی، ۱۳۷۶؛ محمدی‌فر، ۱۳۸۵).

حسابرس ویژه

اغلب در کنار اینها یک «حسابرس ویژه» نیز وجود داشت. این «حسابرس‌ها» مسئولیت رسیدگی به همه‌ی حسابهای یک حوزه را به عهده داشتند. آنها در منطقه خود به همه جا سرکشی می‌کردند و موجودی محل را کنترل و صورتحساب تهیه می‌نمودند. کار اینان بیشتر در پایان سال و در ماههای نخستین سال بعد انجام می‌شد، زیرا نوبت رسیدگی به همه «ترازنامه‌های سالانه» بود (رجبی، ۱۳۷۶).

کنترل‌های مجدد

مهر «مسیکه» بر روی بسیاری از حسابرسیهای مربوط به میوه، نوشیدنی و غله دیده می‌شود. اما همین حسابرسی نیز بار دیگر کنترل می‌شد. مثلاً در تسویه حساب میوه یک آبادی به نام ندینیش (Nadinis) که مهر شماره ۲۷ «مسیکه» بر آن خورده است، یک بار دیگر تاکید شده: "حساب سال بیست و دوم، در ماه دوم سال بیست‌وسوم، توسط هوسه‌وه (Hussavah) کنترل شده است" (رجبی، ۱۳۷۶).

علاوه بر این، کلیه گزارشهای حسابرسی باید بار دیگر کنترل و تایید نهایی می‌شد. «مرنشانه» با سمت کنترلر مالی، علاوه بر «حسابرسی مجدد» و تایید گزارشهای حسابرسی شده، در صورت لزوم حق «واخواست» و «اخطار» را نیز داشته است (آزمون، ۱۳۸۵).

یادداشتهای اداری

در مجموع می‌توان گفت که این گونه متن‌ها، فقط یادداشتهای اداری است. برای نمونه بر لوحی نوشته شده است: "هم حجم ۱۲۰۰ لیتر جو برداشت شد، به حواله دوشهرته (DUsharta)، وهوکه (Vahauka)، آن را تحویل گرفت". و یا این متن: "در سال بیست و دوم، «تهماسب حسابدار» یک کوزه آبجو گرفت" (رجبی، ۱۳۷۶).

روحانی‌ها و وظیفه دیوانی

این که به «روحانی‌ها» هم «وظیفه دیوانی» سپرده شود، در بین‌النهرین از دیرباز یک تجربه شناخته شده بود. «داریوش» نیز این شیوه را خیلی مؤثر تشخیص داده بود. زیرا علاوه بر این که روحانی‌های ستاینده «اهورا مزدا» بسیار درخور اعتماد بودند، فرصتی هم برای «کارهای دیوانی» پیدا می‌کرده‌اند (رجبی، ۱۳۷۶).

اقسام خطوط مالی فارسی باستان: ایرانیان «قبل از اسلام»، خطهای فارسی را برای مقاصد مختلف به کار می بردند. خط غیرمالی «آم دبیره» یا «هام دبیره» خط عمومی بوده است. اما «خطوط مالی» و مربوط به «حساب»، شش یا هفت خط بوده که در زیر می آید. پیش از آن، اجازه دهید به دو کلمه، همار = آمار، و دبیره = دبیره، اشاره کنم:

۱- کده آمار دبیره (نگارش حسابهای کشوری)

۲- شهر آمار دبیره (نگارش حسابهای شهری)

۳- گنج آمار دبیره (نگارش حسابهای خزانه)

۴- آخور (= آھر) آمار دبیره (نگارش حسابهای اصطبلها)

۵- آتشان آمار دبیره (نگارش حسابهای آتش گاهها)

۶- روانگان آمار دبیره (نگارش حسابهای اوقاف)

۷- داد دبیره (نگارش احکام دادگستری) (احمد بن یوسف خوارزمی، ۱۳۸۳).

دیوان محاسبات کشور طبق اصول ۱۰۱ تا ۱۰۳ قانون اساسی و متمم آن در سالهای ۱۲۵۸ و ۱۲۸۶ هجری و شمسی موجودیت پیدا کرده و قانون آن در دوره دوم ۲۳ صفر ۱۳۲۹ بتصویب رسیده است. ساختار دیوان محاسبات بنحوی بوده است که رئیس آن بطور فردی و اعضاء محکمه آن بطور جمعی از طرف مجلس شورای ملی انتخاب میشده‌اند. دیوان محاسبات در سال ۱۳۰۲ منحل گردیده و در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی مجدداً تأسیس گردید که سه شعبه مستشاری داشته و رئیس شعبه اول ریاست دیوان محاسبات را نیز عهده دار بوده و هر شعبه تعداد کافی ممیز حساب داشته است. (ادادستان در دیوان محاسبات یک نفر مدعی العموم) و به تعداد کافی وکیل عمومی تعیین شده بوده است. در این زمان دیوان محاسبات وابسته به وزارت دارائی بوده است. وزیر مالیه ۲۷ نفر را از میان مستخدمین رسمی دولت به مجلس شورای ملی پیشنهاد می نمود و مجلس نیز از بین آنان ۱۸ نفر را انتخاب می کرد وزیر مالیه (۹) نفر آنها را به ریاست و عضویت شعب سه گانه مستشاری منصوب نموده و ۹ نفر دیگر عضو قائم مقام بوده که در صورت فوت و استعفا یکی از رؤسا یا اعضاء شعب و یا اگر وزیرمالیه تغییر یکی از آنها را لازم می دانست به جانشینی منصوب میشده‌اند. انتخاب اعضاء دیوان از طرف مجلس هر سه سال یکبار تجدید میشد و اعضاء سابق را میتوانستند مجدداً انتخاب کنند. ادادستان دیوان از طرف وزیرمالیه و بموجب فرمان شاه تعیین می شد و ممیزین و اعضاء دفتری دیوان را وزیرمالیه در حدود مقررات استخدامی انتخاب می کرد. از سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۵۲ ه.ش یعنی حدود ۴۰ سال تغییری در

قانون دیوان محاسبات ایجاد نشد و کماکان دیوان محاسبات زیر نظر وزارت مالیه اداره میشده است. دادستان در سال ۱۳۵۲ قانون دیوان محاسبات مورد تجدید نظر کلی قرار داده شده و وزیر دارائی مکلف بوده ظرف سه ماه پس از افتتاح هر دوره قانونگذاری مجلس شورای ملی به معرفی مستشاران و جانشین آنها اقدام و ۴۰ نفر از افراد واجد شرایط را به مجلس شورای ملی معرفی نماید. کمیسیون دارائی و بودجه مجلس از بین ۴۰ نفر ۱۵ نفر را بعنوان مستشاران عضو اصلی و ۵ نفر را بعنوان جانشین یا عضو علی‌البدل انتخاب میکرد و ۱۵ نفر در ۵ شعبه مستشاری انجام وظیفه می‌نموده‌اند. رئیس شعبه اول هیئت مستشاری رئیس کل دیوان محاسبات بود که با پیشنهاد وزیر دارائی و فرمان شاه منصوب می‌شد و قائم‌مقام رئیس کل نیز به پیشنهاد رئیس کل دیوان و حکم وزیر دارائی انتصاب می‌یافت. دادستان دیوان از بین مستخدمین رسمی واجد شرایط وزارت دارائی و از طرف وزیر دارائی انتخاب و منصوب میشد که ریاست دادرسی دیوان محاسبات را عهده‌دار بوده و دادیاران دادرسی دیوان محاسبات نیز با پیشنهاد دادستان و حکم وزیر دارائی منصوب می‌گردیدند. حاج میرزا شمس‌الدین جلالی - حسنعلی کمال‌هدایت نصراله صبا - محمد مهدی شاه‌رخ - احمد ضرغام پور - اسداله اکرمی - مهدی شه‌ملکی عبدالولی نورنعمت الهی - رؤسای دیوان محاسبات از ۱۳۱۲ تا ۱۳۵۸ ه.ش بوده‌اند. دادستان بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۵۸ ه.ش مطابق اصول ۵۴ و ۵۵، دیوان محاسبات کشور از وزارت امور اقتصادی و دارائی منفک و تحت اداره مستقیم مجلس شورای اسلامی و بعنوان سازمانی مستقل موجودیت یافت. قانون دیوان محاسبات کشور در سال ۱۳۶۱ ه.ش به تصویب رسیده و بعدها اصلاحاتی در آن بعمل آمده است. ادیوان محاسبات جمهوری اسلامی ایران مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی است و در امور مالی و اداری استقلال دارد و اعتبار مورد نیاز آن با پیشنهاد دیوان و تأیید کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی جداگانه در لایحه بودجه کل کشور منظور میشود. رئیس و دادستان دیوان محاسبات پس از افتتاح هر دوره قانونگذاری به پیشنهاد کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی و تصویب نمایندگان مردم انتخاب میشوند. مقر دیوان محاسبات کشور در تهران بوده و در مراکز استانها نیز ادارات کل مستقر میباشند. ۳ تا ۷ هیئت مستشاری و یک محکمه تجدید نظر و تعدادی کافی دادیار دادرسی دیوان از دیگر اعضاء دیوان محاسبات کشور هستند. جهت تعیین اعضاء هیئت مستشاری رئیس دیوان محاسبات به ازای هر هیئت مورد نیاز ۵ نفر افراد واجد شرایط را به کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی معرفی و کمیسیون

مزبور نیز به ازای هر هیئت ۳ نفر را بعنوان اعضاء اصلی و یک نفر را بعنوان عضو علی‌البدل انتخاب و به دیوان اعلام می‌نماید و رؤسای شعب از طرف رئیس دیوان محاسبات تعیین و منصوب می‌گردند. محکمه تجدیدنظر دارای یک شعبه بوده که ریاست آنرا حاکم شرع منتخب رئیس قوه قضائیه عهده‌دار است و دو نفر کارشناس محکمه توسط رئیس دیوان و از میان مستشارانی که در صدور رأی مورد تجدیدنظر شرکت نداشته‌اند انتخاب میشوند. اهیت عمومی دیوان محاسبات کشور به ریاست رئیس کل دیوان محاسبات و با حضور دادستان و حداقل سه‌چهارم از مستشاران اصلی دیوان محاسبات کشور با دعوت رئیس دیوان جهت رسیدگی به مواردی که در قانون تصریح شده تشکیل و تصمیمات آن با رأی اکثریت مطلق حاضرین معتبر است. ادیوان محاسبات کشور از نظر مقررات استخدامی تابع آئین‌نامه خاصی است که از طرف دیوان تهیه و به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. لازم به ذکر است مطابق مصوبه ۱۳۵۸/۴/۱۷ شورای انقلاب اسلامی ایران از تاریخ تصویب، خدمت مستشاران دیوان محاسبات (قبلی) منقضی اعلام و وظایف دیوان محاسبات تا تشکیل مجلس شورای اسلامی و انتخاب مستشاران جدید به هیأتی مرکب از یک رئیس و دو نفر عضو که از طرف وزارت امور اقتصادی و دارائی پیشنهاد و به تصویب هیئت وزیران رسیده با تأیید نهائی شورای انقلاب واگذار گردید. آقای سید محمود روح‌الامینی به سمت رئیس و آقایان پرویز افشار و ذبیح‌اله ممیززاده به سمت اعضاء هیئت مزبور در جلسه مورخ ۱۳۵۸/۸/۱ ه.ش شورای انقلاب تصویب و از سوی وزیر امور اقتصادی و دارائی منصوب گردیدند. از سال ۱۳۶۱ ه.ش تاکنون با توجه به تصویب مجلس شورای اسلامی در دوره اول آقای محمود پاکروان (رئیس) و آقای میرجواد عطاری ابراهیم‌زاده (دادستان) و در دوره دوم و سوم آقای ایرج صفاتی دزفولی (رئیس) و آقای احمد علیزاده دادستان) در دوره چهارم آقای علیرضا رخسندرو (رئیس) و آقای سیدلطف‌اله اتابکی (دادستان)، دوره پنجم و ششم مجلس شورای اسلامی آقای مهندس سید کاظم میرولد (رئیس) و آقایان سیدلطف‌اله اتابکی و سیداصغر هندی به ترتیب دادستان)، در دوره هفتم آقای رحیمی (رئیس) و آقای امیری اصفهانی (دادستان) و در دوره هشتم آقای دکتر رحمانی‌فضلی (رئیس) و آقای دکتر عربیان به عنوان (دادستان) انجام وظیفه نمودند. در دوره نهم آقای دکتر رحمانی‌فضلی همچنان به عنوان (رئیس) و آقای امین‌حسین رحیمی به عنوان (دادستان) انتخاب گردیده و مشغول انجام وظیفه می‌باشند. با انتخاب آقای دکتر رحمانی‌فضلی به عنوان وزیر کشور دولت یازدهم، آقای امین‌حسین رحیمی به عنوان (رئیس) و آقای فیاض شجاعی به عنوان (دادستان) از طرف

مجلس شورای اسلامی انتخاب و مشغول انجام وظیفه می باشند. لوح‌های محاسبات دیوانی، بیانگر این واقعیت است که در تخت جمشید «نظام اداری» کاملاً دقیق و منظمی وجود داشته و دستمزدها، پاداشها و کمک هزینه‌ها در اسناد متعدد ثبت و از سوی طرفین حتی «مهر» هم می شده است. «لوحهای استحکامات» (قلعه) و «لوح‌های خزانه» دلیل دیگری بر قدمت تشکیلات مالی ایران است.

در زمان داریوش هخامنشی، تنظیم دفترهای «درآمد و هزینه» و «کنترل‌های مالی» از امور عادی و رایج بوده است و خزانه‌های کشور در تشکیلات منظم و پیچیده دیوانی و «سیستم حسابداری» دقیقی «به طور سالانه حسابرسی» می شده است. اسناد دیوانی در دوره عیلامی به خط خاص عیلامیان نوشته می شد و همچنین کلمه «چک» از اصطلاحات «فارسی قدیم» بوده است.

سیستم حقوق و دستمزد نیز از تشکیلات اداری و مالی پارس سرچشمه می گرفت که در آن «حسابداران خبره» که نام آنان در فارسی باستان «همره کره» بود، به طور سالانه خزانه کشور را حسابرسی می کردند. در آنجا سرحسابرسانی وجود داشتند که به کلیه درآمدها و هزینه‌ها تسلط کافی داشتند. در گزارش حوزه «کردشوم»، همه دریافتها و پرداختهای یک سال جمع‌آوری شده است. اسناد نظام حسابرسی و لوح «امارسین»، نشان‌دهنده استفاده گسترده از مفاهیم حسابداری بوده است. وجود این اسناد حتی جزئیاتی نظیر «مواد مصرفی»، «نیروی کار»، «کل مواد هزینه شده» و ... را نشان می دهد.

تصدیق ترازنامه‌ها بر عهده سه نفر بود؛ اول رئیس کل انبار، دوم آتش‌ریز و سوم نگهبان انبار. همچنین، از دیرباز «وظیفه دیوانی» به «روحانیان» معتمد سپرده می شد. ایرانی‌ها برای نوشتن به خط فارسی باستان، از شش یا هفت «خط مالی و حسابداری» استفاده می کردند. به هر حال، وجود هزاران متن لوح دیوانی کوچک و بزرگ و اسناد مالی در عصر هخامنشیان، از اهمیت فراوانی برخوردار است و به ما نیز این امکان را می دهد که نگاهی عمیق به زوایای این امپراتوری بیندازیم.

سیستم های حسابداری در ایران قبل از اسلام از چگونگی سیستم‌های مالی و نحوه نگهداری حساب‌ها در ایران قبل از اسلام آثار مکتوب قابل توجهی در دست نیست. آنچه که مسلم است در امپراتوری های هخامنشی و ساسانی حجم بزرگی از فعالیت های دیوانی و حکومتی به گرفتن باج و خراج از حکام ایالات و ولایات و

پرداخت موجبات سپاهیان و دیگر عوامل حکومتی اختصاص داشته که جهت نگهداری اطلاعات آن قطعاً سیستم های دقیق و مناسبی وجود داشته است، ولی متأسفانه به جز نوشته‌های تاریخی معدودی از محققین مانند ویل دورانت در کتاب هایی نظیر تاریخ تمدن، آثار مستند دیگری در این مورد در دست نیست.

طبق این مستندات، در این دوران افرادی که به چشم و گوش شاه موسوم بودند ضمن کارهایی که انجام می‌دادند مسئله نظارت بر جمع‌آوری خراج را نیز بر عهده داشتند. این نظام بدون اینکه تغییرات عمده‌ای در آن ایجاد شود تا قبل از اسلام به همین شکل ادامه داشته است.

سیستم های حسابداری در ایران پس از ظهور اسلام تا دوران قاجاریه

در پی پذیرفتن اسلام روابط و مناسبات اقتصادی همانند دیگر شئون اجتماعی تحت تأثیر تعالیم مقدس اسلام دگرگونی بنیانی یافت ولی این دگرگونی عمدتاً در روابط فردی و ارتباطات تجاری شخصی خودنمایی کرد و در دیوانسالاری حکومت‌های ایرانی که به جز یکی دو سلسله (صفویان و افشاریان) می‌توان آنها را حکومت‌های کوچک محلی نامید نمود مشخصی از قوانین اسلامی دیده نمی‌شود. شاید دلیل این موضوع عدم اعتقاد حکومت‌های نخستین اسلامی مانند امویان و عباسیان به اجتهاد در بنیانگذاری روش‌های مالی و اداری بر اساس تعالیم قرآن کریم و دستورات پیامبران عظیم‌الشان آن بوده است. به هر تقدیر اطلاعاتی که از دوران اولیه حکومت‌های اسلامی مضبوط است نشان می‌دهد برادران برمکی (یحیی و جعفر برمکی) سیستم مالی دقیقی در دربار هارون الرشید ایجاد کرده بودند که در قالب یک دیوان محاسبات عملیات مربوط به ثبت و ضبط عایدات مخارج حکومت وی را انجام می‌داده است.

سیستم های حسابداری از دوران قاجاریه تا انقلاب مشروطیت

در دوران قاجاریه یک تحول ابتدایی در مورد سیستم‌های مالی در ایران ایجاد شد که نقطه اوج آن دعوت مستشاران آمریکایی نظیر ژنرال شوراتسکف در امور ژاندارمری و مشخصاً مورگان شوستر در امور مالی بوده و این شخص یک سلسله فعالیت‌ها در زمینه ایجاد نظام‌های مالی و مالیاتی را آغاز می‌کند که به دنبال قتل گریبایدوف و اولتیماتوم دولت روس، دولت ایران به اجبار وی را از ایران اخراج کرده و به کار او پایان می‌دهد.

بعدها فردی آمریکایی به نام دکتر آرتور میلیسپو به ایران دعوت می‌شود و او سیستم‌هایی در وزارت دارایی و گمرکات ایجاد می‌کند که بعضی از این سیستم‌ها هنوز در برخی مؤسسات دولتی رایج است. اعطای امتیاز استخراج نفت به ویلیام ناکس داریسی و به دنبال آن تأسیس شرکت نفت

ایران و انگلیس و همچنین اعطای امتیاز تأسیس بانک‌های استقراضی و شاهنشاهی به بیگانگان در اواخر دوران قاجاریه، زمینه را برای ورود روش‌های مالی و اداری پیشرفته به کشور فراهم ساخته ولی این روش‌ها تا مدت‌ها در حصار همین مؤسسات و بنگاه‌های اقتصادی باقیمانده و راهی در سایر مؤسسات و دوائر دولتی یا خصوصی پیدا نمی‌کند.

سیستم‌های حسابداری از انقلاب مشروطیت تا اوایل دهه چهل

نطفه حسابداری و حسابرسی نوین با پیروزی انقلاب مشروطه و تصویب قانون اساسی آن بسته می‌شود. انقلاب مزبور در بحبوحه وخامت شدید اوضاع اقتصادی، کسری بودجه و استقراض‌های خارجی فزاینده و تشدید حیف و میل‌های دیوانیان و درباریان، افزایش خودکامگی و دخل و تصرف‌های حکام ایالات و ولایات به پیروزی می‌رسد. پیدایش مفاهیم و ابزارهای دفترداری و حسابداری نوین (عمدتاً دولتی) در ایران موارد چنین مشغله‌ای بوده است که از همان ابتدا در قوانین کشور انعکاس می‌یابد. نخستین قوانین مالی و اقتصادی یادگار دوره دوم مجلس شورای ملی است.

در این دوره است که نخستین بودجه نوین کشوری، نخستین قانون مالیاتی (قانون مالیات بلدی بر وسائط نقلیه مصوب ۱۳۲۸ قمری)، نخستین قانون تجاری (قانون قبول و نکول بروات تجاری مصوب ۱۳۲۸ قمری) و بالاخره نخستین قانون حسابداری و حسابداری دولتی (قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۲۹ قمری) به تصویب می‌رسد.

فکر اعزام محصل به خارج جهت فراگرفتن رشته حسابداری، اولین بار در دهه اول قرن توسط بانک ملی ایران مورد توجه قرار گرفت. ابتدا عده‌ای برای کارآموزی و مطالعه در رشته‌های مختلف بانکی، منجمله حسابداری به بانک‌های خارج فرستاده شدند و سپس در سال ۱۳۱۵ ه. ش یک گروه ۱۲ نفری را که از طریق کنکور انتخاب شده بودند برای تحصیل علمی و عملی در رشته تخصصی حسابداری به انگلستان اعزام کردند. به همت تعدادی از فارغ التحصیلان یاد شده سرانجام شرکت ملی نفت در سال ۱۳۳۶ ه. ش موافقت خود را با تأسیس یک آموزشگاه عالی حسابداری اعلام کرد. این آموزشگاه که از سال ۱۳۵۳ ه. ش شمسی نام دانشگاه حسابداری و علوم مالی به خود گرفت دارای دوره‌هایی تا سطح فوق لیسانس بود.

ناگفته نماند که بعضی مؤسسات فرهنگی دیگر نیز از قبیل مؤسسه علوم بانکی، دانشکده بازرگانی، دانشکده علوم اداری دانشگاه تهران، دانشگاه ملی و ... تدوین رشته‌های مختلف حسابداری را تا حدودی در برنامه خود گنجانیدند.

سیستم های حسابداری از اوایل دهه چهل تاکنون

تغییرات ساختار اقتصادی در سالهای ۱۳۴۲ و بعد از آن و گسترش نظام اقتصادی نوینی که نام سرمایه‌داری وابسته گرفت سبب شد که حسابداری به عنوان فنی که نیازهای اطلاعاتی مؤسسات و شرکت‌های جدید التأسيس را برآورده می‌ساخت، مطرح شود. این نیاز روزافزون بازار کار به وجود حسابداران تحصیل کرده موجب آن شد که مؤسسات آموزش حسابداری رونق یابد. یکی از پیامدهای تحولات اقتصادی، اجتماعی یاد شده ظهور گروه‌های صنعتی بزرگ مانند گروه کفش ملی، گروه صنعتی بهشهر و چند شرکت خودرویی از قبیل شرکت جیب (پارس خودرو)، شرکت ایران ناسیونال (ایران خودرو)، شرکت سایپا، زامیاد و ... بود و همچنین با سرازیر شدن سرمایه‌های خارجی به ایران چندین شرکت و مؤسسه چندملیتی دارویی و صنعتی در ایران تشکیل شد که وجود این گروه‌های صنعتی و مجتمع‌های تولیدی بزرگ که به مناسبت حجم فعالیت‌های خود امکان اداره کردن آنها با سیستم‌های سنتی وجود نداشت، موجب شد که سیستم‌های مدیریت نوین با اقتباس از سیستم‌های مدیریت خارجی در آنها رایج شود. استفاده از مشاوران خارجی در امر سیستم‌دهی در همه ابعاد فنی و مدیریت و از جمله سیستم‌های مالی و صنعتی موجب بروز تحولات جدی در سیستم‌های حسابداری این مؤسسات و به تبع آن گسترش روش‌های نوین و معرفی سیستم‌های جدید در سایر مؤسسات شد. تشکیل شعبات شرکت‌های بین‌المللی موجب شد که مؤسسات حسابرسی صاحب نام خارجی، مبادرت به تاسیس شعبه در ایران نمایند که از آن جمله مؤسسات کوپرز اند لیبراند، وینی‌مری، پیت مارویک و پرایس واترهاوس را می‌توان نام برد. اغلب این مؤسسات علاوه بر کار حسابرسی به امر طراحی سیستم‌های حسابداری مالی و صنعتی نیز مشغول شدند و به این ترتیب نقش مهمی در گسترش سیستم‌های نوین حسابداری در ایران بر عهده گرفتند. شاید اولین سازمان و مؤسسه ایرانی که با هدف اشاعه مفاهیم نوین مدیریت و بهبود روش‌های اداری و سیستم‌های اطلاعاتی تشکیل شد سازمان مدیریت صنعتی بود که در سال ۱۳۴۱ ه.ش با تصویب هیأت وزیران به عنوان یک سازمان وابسته به وزارت صنایع، کار خود را آغاز کرد. این سازمان بعدها در سال ۱۳۴۷ به صورت یک شرکت سهامی خاص تحت پوشش سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران درآمد و تا به امروز فعالیت خود را در امر سیستم‌دهی و آموزش و تحقیق در همه زمینه‌های مدیریت منجمله طراحی و استقرار سیستم‌های حسابداری و مالی ادامه داده است. از اواخر دهه چهل، استفاده از کامپیوتر نیز در مؤسسات و شرکت‌های بزرگ نظیر شرکت ملی نفت ایران آغاز شد. ابتدا در سیستم‌های

عملیاتی مانند سیستم کنترل موجودی و انبارها و به تدریج در سایر سیستم‌ها مانند حقوق و دستمزد و حسابداری مالی و صنعتی کاربرد کامپیوتر رایج شد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اغلب مؤسسات یادشده منحل شدند و کارشناسان و کارکنان آنها جذب سایر سازمان‌ها و مؤسسات ایرانی شدند و بعضی مبادرت به تأسیس مؤسسات حسابرسی و خدمات مالی نمودند. ملی شدن صنایع و مصادره شدن مؤسسات و شرکت‌های متعلق به وابستگان رژیم گذشته و لزوم کنترل‌های متمرکز از سوی سازمان‌هایی نظیر سازمان صنایع ملی بنیاد مستضعفان، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و سایر نهادها و ارگان‌هایی که متولی صنایع دولتی و تحت پوشش بودند، موجب شد که مؤسسات حسابرسی وابسته به این سازمان‌ها تشکیل شود. از جمله این مؤسسات مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه بود. این مؤسسه پس از تشکیل، ضرورت ایجاد واحد خدمات مدیریت برای پاسخگویی به نیازهای مدیریت شرکت‌های تحت پوشش را احساس کرد و از این رو با دعوت از متخصصین صاحب تجربه اقدام به ایجاد چنین واحدی کرد. این مؤسسه که بعدها با تشکیل سازمان حسابرسی جمهوری اسلامی ایران (مصوب پنجم دی ماه ۱۳۶۶) به آن سازمان منضم شد، در طول مدت فعالیت خود توانست نظام‌های حسابداری مالی و حسابداری صنعتی بسیاری را طراحی و اجرا نماید.

حسابداری در ایران

حسابداری در ایران در حوزه نظری تحت تأثیر جریان‌ات پازیتیویسم رشد کمی زیادی کرده است و پایه‌گذاری تحصیلات تکمیلی با این نگاه به حسابداری صورت گرفته و توسعه یافته است. با این وصف تعریفی از حسابداری در ایران غالب است که مضمون و محتوای آن صرف نظر از چینش یا تفاوت ظاهری الفاظ آن برای همه دانش‌آموختگان حسابداری ایران شناخته شده است. بر اساس این تعریف: حسابداری عبارت است از فرآیند شناسایی، جمع‌آوری، ثبت، طبقه‌بندی، تلخیص، گزارشگری، و تحلیل رویدادهای مالی یک شخصیت اقتصادی در یک دوره مالی معین بر اساس واحد پول ملی. این تعریف ترجمه کاملی است از تعاریف مختلفی که از حسابداری در عصر پازیتیویسم یعنی دهه‌های ۴۰ الی ۶۰ سده پیشین در دنیا رواج داشته است. لازم به ذکر است حسابداری شاخه‌های گوناگون دارد. شادروان "سجادی‌نژاد" و هم‌چنین شادروان عرفانی و دکتر عزیزنبوی از بنیانگذاران حرفه حسابداری در ایران بشمار می‌روند که با تأسیس مدرسه عالی حسابداری شرکت ملی نفت و مؤسسه عالی حسابداری توانستند بیش از ۶۰۰۰ دانش‌آموخته رشته‌های حسابداری - حسابداری دولتی و حسابرسی پرورش دهند.

دفاتر حسابداری - دفاتر تجارتي - دفتر کل - دفتر روزنامه - دفتر معین - دفتر تفضیلی

دفاتر حسابداری علاوه بر موارد ذکر شده شامل دفاتر دیگری نیز می باشد اما بطور کل و عامیانه از این دفاتر نام برده می شود. دفاتر اصلی حسابداری که مورد قبول اداره دارایی می باشد شامل دفتر روزنامه و دفتر کل می باشد. قابل توجه اینکه اطلاعات مالی از تراز و اسناد حسابداری به دفتر روزنامه بصورت روزانه منتقل و معمولاً به صورت هفتگی از دفتر روزنامه به کل منتقل می شود.

حسابداری در ایران امروز، با تعریفها، مفاهیم و بازتاب عملکرد گسترده اش، جایگاه مناسبی در نظام مالی و اقتصادی یافته است، بازتاب این امر را می توان در توجه خاص مدیران به حسابداری و استفاده از اطلاعات مالی در تصمیم گیریها و سیاست گذاری های استراتژیک مؤسسه ها و شرکت های تحت نظارتشان مشاهده کرد. در سطح کلان نیز شاهد اعتماد و اتکای نظام مالی کشور به رسیدگی های حسابرسان، بررسی اسناد و مدارک فعالیت های مالی به وسیله آنان و قضاوت نهایی ایشان هستیم که در قالب گزارش حسابرسی منتشر می شود. نخستین انتشارات مستقیم به حسابداری و حسابرسی در ایران بخشنامه ۱۳۱۴/۱۱/۱۳ می باشد که برای بار اول از اصطلاحاتی از قبیل بیلان (ترازنامه) - بدهکار و بستانکار صحبت می شد که خود مقدمه ای بر قوانین مالیاتی سالهای بعد بود. همچنین در سال ۱۳۲۲ ه. ش قانون مالیات بر درآمد تدوین شد با وجود اینکه این قانون هرگز به مورد اجرا گذاشته نشد ولی اصطلاحاتی از قبیل هزینه و درآمد در آن به کار رفته بود. حسابداری به روش جدید در ایران بیشتر به مؤسسات خارجی که در ایران مشغول به کار بودند، موسوم شد. (این مؤسسات عبارت بودند از شرکت سابق نفت - بانک شاهی و سایر مؤسسات و بانکهای خارجی) سپس در بانک ملی ایران و سایر بانکهای ایران رواج یافت. انجمن حسابداران خبره که در سال ۱۳۵۳ ه. ش بوجود آمده بود، در آذرماه ۱۳۵۰ ه. ش لایحه تأسیس شرکتهای سهامی حسابرسی به تصویب کمیسیون های مجلسین رسید. این شرکت در حال حاضر عملیات حسابرسی کلیات مؤسسات دولتی مستقل و نیمه مستقل (سازمان های دولتی به غیر از وزارت خانه ها و شرکتها) مؤسساتی که از دولت کمک مالی دریافت می کنند را عهده دار می باشد.

نام گذاری روز حسابدار در تقویم ایران

جامعه حسابداران رسمی و انجمن حسابداران خبره ایران برای برگزاری هفته جهانی حسابداری برنامه هائی را پیش بینی کرده اند که نامگذاری روز حسابدار در تقویم ایران از جمله این برنامه ها است. جامعه حسابداران رسمی و انجمن حسابداران خبره ایران برای برگزاری هفته جهانی حسابداری برنامه هائی را پیش بینی کرده اند که نامگذاری روز حسابدار در تقویم ایران از

جمله این برنامه‌ها است. فدراسیون بین‌المللی حسابداران (IFAC) در سال ۲۰۰۷ و در سی امین سالروز تأسیس خود دومین یکشنبه ماه دسامبر (اواخر آذر) هرسال را به عنوان هفته جهانی حسابداری انتخاب و به تمام اعضای خود در سراسر جهان پیشنهاد کرده که در این هفته با برگزاری مراسم ویژه‌ای از حسابداران تجلیل به عمل آورند و از سوی دیگر حرفه حسابداری و نقش حسابداران را در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی به عموم بشناسانند. این فدراسیون هرسال از دبیرکل جوامع حرفه‌ای عضو برای گردهمایی در یکی از کشورها و به میزبانی انجمن یا جامعه آن کشور دعوت به عمل می‌آورد که در سال جاری این گردهمایی در ۱۸ و ۱۹ آذر ماه در کشور ایتالیا برگزار می‌شود. براساس این گزارش، این فدراسیون دارای ۱۶۳ انجمن حرفه‌ای عضو از ۱۲۵ کشور جهان است و جمعاً حدود ۲/۵ میلیون نفر از حسابداران را نمایندگی می‌کند. جامعه حسابداران رسمی و انجمن حسابداران خبره ایران نیز به عنوان اعضای فدراسیون بین‌المللی حسابداران در آذر سال گذشته روز ۱۵ آذرماه هر سال را به عنوان روز ملی حسابداری انتخاب کردند. براین اساس جامعه حسابداران رسمی و انجمن حسابداران خبره ایران در سال جاری برای برگزاری هفته جهانی حسابداری برنامه‌هایی را به شرح برای شناساندن فعالیتهای اعضای خود پیش‌بینی کرده‌اند. این برنامه شامل گردهمایی تجلیل از حسابداران در روز دوشنبه ۱۸ آذر ۸۷ (از ساعت ۱۶ تا ۱۹ در سالن اجتماعات پارک ورشو)، تهیه پوستر روز ملی حسابداری و ارسال آن به جوامع حرفه‌ای، دانشگاه‌ها، شرکتهای تولیدی، دستگاه‌های دولتی، اطلاع‌رسانی با موضوع هفته حسابداری و لزوم تجلیل از حسابداران، تلاش برای منظور کردن روز حسابدار در تقویم ایران و گردآوری و گزارش فعالیت‌های انجام شده در هفته جهانی حسابداری به فدراسیون بین‌المللی حسابداران است.

معرفی چند تن از پایه گزاران حسابداری در ایران

دکتر فضل‌الله اکبری - پدر حسابداری ایران بعد از اخذ مدرک دکترای ایران به مراجعت کرد و در مؤسسه علوم اداری به تدریس پرداخت و در سال ۱۳۳۷ ه.ش به عنوان اولین مدرس حسابداری با درجه دانشجویی به عضویت هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه تهران پذیرفته شد. اندیشمند برجسته، مروج حسابداری علمی، نخستین استاد حسابداری در ایران، مؤسس دانشکده مدیریت و علوم اداری دانشگاه تهران، صاحب تألیفات ارزشمند در رشته حسابداری و حسابرسی و صاحب بسیاری از عظمت‌های فردی و اجتماعی.

دکتر فضل‌الله اکبری در دوم اردیبهشت سال ۱۳۰۰ هجری شمسی برابر با سوم ماه رمضان المبارک سال ۱۳۳۹ هجری قمری در شهر گلپایگان چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در شهر گلپایگان و دوره دبیرستان را در دبیرستانهای ادب، صارمیه و سعدی اصفهان طی کرد. همزمان با طی دوره دبیرستان و حتی قبل از آن به تحصیل علوم قدیمه نزد پدر بزرگ مادریش مرحوم حاج فخرالعلما پرداخت و پس از آن در اصفهان از محضر استادانی چون شادروان فضل‌الله همایی و برادر دانشمند ایشان استاد جلال همایی و آقای مبارکه‌ای کسب فیض کرد. وی حساب و ریاضی و حساب سیاق نقدی و جنسی را نزد پدر بزرگ و پدر فرا گرفت. دکتر فضل‌الله اکبری بعد از دریافت دیپلم متوسطه، در دانشکده حقوق دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت و از این دانشکده لیسانس گرفت. سپس در شرکت ملی نفت استخدام شد و همزمان با مرحوم حیم در تهیه فرهنگ لغات انگلیسی به فارسی همکاری داشت. وی در اوایل دهه ۱۳۳۰ در مؤسسه علوم اداری و بازرگانی دانشکده حقوق دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت و فوق لیسانس علوم اداری و بازرگانی دریافت داشت. به دنبال آن با استفاده از بورس تحصیلی به امریکا رفت و در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی و دانشگاه استنفورد به تحصیل پرداخت و در رشته مدیریت بازرگانی با گرایش حسابداری دکترا دریافت کرد. بعد از اخذ مدرک دکترا به ایران مراجعت کرد و در مؤسسه علوم اداری به تدریس پرداخت و در سال ۱۳۳۷ ه. ش به عنوان اولین مدرس حسابداری با درجه دانشیاری به عضویت هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه تهران پذیرفته شد. سالها حسابداری به عنوان رشته‌ای قابل قبول برای تدریس در دانشگاه شناخته نمی‌شد. تا سال ۱۳۳۳ در هیچ دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی حسابداری رسماً تدریس نمی‌شد. ... متأسفانه در ایران آن زمان، اغلب افراد به جهت عدم اطلاع کافی از محتوای دروس مزبور، علوم مالی و حسابداری را در سطح سایر رشته‌های دانشگاه به حساب نمی‌آوردند. ... محتوای رشته حسابداری، اهمیت و لزوم آن در انتظام امور سازمانها و تأثیر آن در پیشرفت کشور، سالها همچنان ناشناخته باقی ماند. در سال ۱۳۳۴ ه. ش که داوطلب تدریس حسابداری در دانشگاه شدم، یکی از اولیای دانشگاه گفت شک دارد جایگاه تدریس حسابداری در دانشگاه باشد، و اضافه کرد در گذشته هم حسابداری در سال ششم رشته تجارت دبیرستانها تدریس می‌شده است و اگر حسابداری را رشته‌ای دانشگاهی بشناسیم بزودی داوطلبانی هم برای تدریس خانه‌داری، گله‌داری و باغداری پیدا می‌شوند؛ دانشگاه را تدریس حساب کافی است. دو - سه سالی طول کشید تا با مراجعات مکرر و مستمر، ارائه شرح دروس حسابداری و رشته‌های مختلف آن، اهمیت و فرق آن را با حساب و ریاضی توجیه کنم و

توضیح دهم. بالاخره قرار شد در دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران برای انتخاب و استخدام یک نفر دانشیار اقدام کنند." در طول سال ۱۳۴۲ ه.ش توضیحاتم رئیس وقت دانشگاه تهران را متقاعد و مصمم کرد که دانشگاه تهران، مانند بسیاری از مهمترین دانشگاههای جهان، و به لحاظ نیاز کشور، می‌باید دانشکده‌ای برای آموزش و تحقیقات مدیریت داشته باشد. در ابتدای شهریور ۱۳۴۳ ه.ش شادروان دکتر صالح رئیس دانشگاه، در جلسه‌ای پرشور و با مخالفت‌های بسیار، بالاخره تأسیس دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی را به تصویب شورای عالی فرهنگ رسانید.... مخالفتها با تأسیس این دانشکده، اولین در نوع خود در کشور، بیشتر از ناشناخته بودن مدیریت به عنوان رشته‌ای از دانش ناشی می‌شد."

(دکتر اکبری، ۱۳۷۸، نوبت من نیست، ص ۱۵) دکتر فضل‌الله اکبری پس از تأسیس دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران، به مدت ۸ سال رئیس این دانشکده بود. پس از سال ۱۳۵۰ ه.ش، به سمت معاون آموزشی و پژوهشی وزارت علوم و آموزش عالی برگزیده شد و همزمان به تدریس رشته حسابداری در دانشگاهها و مؤسسات مختلف آموزش عالی به ویژه بانک ملی ایران، اشتغال داشت. در این دوره با شرکت اطلاعات اعتباری که به وسیله بانک مرکزی تأسیس شده بود، نیز همکاری داشت. در فاصله سالهای ۱۳۵۰-۵۳ ه.ش که در وزارت علوم به کار اشتغال داشت، خدمات گسترده‌ای در زمینه ارزشیابی مدارک تحصیلی و ارزیابی علمی دانشگاهها و مراکز علمی کشور به انجام رسانید. وی در اواخر سال ۱۳۵۳ ه.ش به دانشگاه تهران بازگشت و به عنوان استاد دانشکده علوم اداری و بازرگانی دانشگاه تهران در سمت معاون و قائم‌مقام رئیس دانشگاه تهران به کار ادامه داد. پس از انقلاب در اوایل سال ۱۳۵۸ ه.ش در سمت استادی دانشگاه بازنشسته شد اما تا پایان سال تحصیلی ۱۳۵۸-۵۷ ه.ش همچنان به تدریس ادامه داد. از اوایل دهه ۱۳۶۰ ه.ش سازمان حسابرسی این افتخار را یافت تا از همکاری ایشان با مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی این سازمان برخوردار شود. کتاب و مقالات مختلفی که در این دوران توسط ایشان تألیف و تدوین و توسط سازمان حسابرسی منتشر شده است حاصل این دوران پربار است. دکتر فضل‌الله اکبری در اواخر دهه ۱۳۶۰ ه.ش به امریکا مسافرت کرد و به مدت دو سال با سمت استادی در دوره‌های فوق‌لیسانس دانشکده مدیریت بازرگانی دانشگاه استنفورد که یکی از معتبرترین دانشکده‌های این رشته در سراسر دنیا به شمار می‌آید، به تدریس پرداخت. پس از آن به انگلستان رفت و یک سال نیز در دانشکده مدیریت دولتی تدریس داشت. ایشان از اواسط دهه ۱۳۷۰ ه.ش به ایران مراجعت کرد و همچنان همکاری خود را در زمینه تحقیق و تألیف با

مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی ادامه داد و در این مدت است که مقالات متعددی هم برای مجله حسابرسی تهیه کرد. کتاب بررسی تحلیلی دکتر فضل‌الله اکبری در سال ۱۳۸۱ ه.ش به عنوان کتاب درخور تقدیر برگزیده و به وسیله وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در مراسم هفته کتاب مورد تقدیر قرار گرفت.

آقای دکتر اکبری دانشمندی بی طرف و واقع‌گرا بود. در عین حال که حرمت همگان را نگه می‌داشتند با اطرافیان رفتاری محکم، منطقی و مهربان داشتند. استوار و قاطع اما اهل اعتدال بودند. بی ادعا بودند و فروتن. از نقد و نفی دیگران پرهیز می‌کردند و مراعات حقوق دیگران را از هر حیث می‌کردند. سامان‌دهی و یکپارچه‌سازی اطلاعات مالی و به دست آوردن شاخص‌های کمی از عملکرد داخلی و ارتباطات خارجی سازمان، مهم‌ترین وظیفه‌ی یک سیستم حسابداری است. با استفاده از قابلیت‌های یک سیستم حسابداری کارا می‌توان اطلاعات مالی مربوط به تمام بخش‌های سازمان را جمع‌آوری، طبقه‌بندی و سامان‌دهی کرد. به دلیل وجود یکپارچگی در سیستم‌های پگاه سیستم، اطلاعات مالی تمام سیستم‌هایی که خروجی‌های کمی تولید می‌کنند مانند انبار، دریافت و پرداخت، دارایی‌های ثابت، بودجه، حسابداری صنعتی و ...، در اختیار سیستم حسابداری قرار می‌گیرد و این سیستم با ضبط و طبقه‌بندی این اطلاعات، امکان دسترسی به‌هنگام و سریع به اطلاعات جامع و منسجم مالی و اقتصادی سازمان را فراهم می‌کند. نقش فردی دکتر فضل‌الله اکبری در توسعه دانش حسابداری در ایران به نحو قاطع تعیین‌کننده بوده است. این نقش به گفته خود ایشان محصول «علاقه به کار» و به قضاوت آنانی که او را از نزدیک می‌شناختند محصول احساس «مسئولیت» نسبت به توسعه و پیشرفت جامعه و «ایمان» به چاره جوئیها و راهگشاییهای «علم» نیز بوده است. زنده یاد دکتر فضل‌الله اکبری در ۱۳ فروردین ۱۳۸۴ ه.ش جان به جان آفرین تسلیم کرد و در قطعه ۲۲۹ بهشت زهرا به خاک سپرده شد. از ایشان ۴ فرزند، ۲ پسر و ۲ دختر، باقی مانده است.

عنوان

حسابداری مالی چیست؟

حسابداری در دوره هخامنشیان

حسابداری در دوره قاجاریان

حسابداری در دوره پهلوی و مشکلات اقتصادی آن زمان

نتیجه گیری:

این مقاله با ارائه تعریف سیستم اطلاعات حسابداری و مالی، مراحل طراحی، اجرای آن و همچنین پرداختن به اهمیت اجرای این سیستم و آینده آن در دنیای تجارت، به لزوم انجام تغییرات در سیستمهای حسابداری با توجه به توسعه فناوری و روابط پیچیده دنیای تجارت از گذشته تا کنون می‌پردازد. بسیاری از شرکتها در تلاش هستند که توان نفوذ اطلاعات مالی خود را در محیط شبکه گسترش و ارائه چنین اطلاعاتی به کارکنان، سرمایه‌گذاران و تحلیلگران مالی افزایش دهند. سیستم یکپارچه اطلاعات حسابداری، دسترسی به اطلاعات از راه دور را به آسانی فراهم می‌آورد. محدودیتهای زمانی و مکانی برای دسترسی به گزارشهای مالی را از بین می‌برد و هزینه و زمان دسترسی به اطلاعات را کاهش و سرعت گردش اطلاعات و عملیات را در واحدها و قسمتهای مختلف سازمان افزایش می‌دهد.

در پی پذیرفتن اسلام روابط و مناسبات اقتصادی همانند دیگر شئون اجتماعی تحت تأثیر تعالیم مقدس اسلام دگرگونی بنیانی یافت ولی این دگرگونی عمدتاً در روابط فردی و ارتباطات تجاری شخصی خودنمایی کرد و در دیوانسالاری حکومت‌های ایرانی که به جز یکی دو سلسله (صفویان و افشاریان) می‌توان آنها را حکومت‌های کوچک محلی نامید، نمود مشخصی از قوانین اسلامی دیده نمی‌شود. شاید دلیل این موضوع عدم اعتقاد حکومت‌های نخستین اسلامی مانند امویان و عباسیان به اجتهاد در بنیانگذاری روش‌های مالی و اداری بر اساس تعالیم قرآن کریم و دستورات پیامبران عظیم‌الشان آن بوده است. به هر تقدیر اطلاعاتی که از دوران اولیه حکومت‌های اسلامی مضبوط است نشان می‌دهد برادران برمکی (یحیی و جعفر برمکی) سیستم مالی دقیقی در دربار هارون الرشید ایجاد کرده بودند که در قالب یک دیوان محاسبات عملیات مربوط به ثبت و ضبط عایدات مخارج حکومت وی را انجام می‌داده است.

وزارت مالیه

وظیفه اصلی تهیهی اسناد و فرامین برای امضاء را برعهده داشت. ناصرالدین شاه وزارت داخله و مالیه را ادغام نمود و شامل دو قسمت گردید وزارت دفتر استیفا یعنی وزارت مالیه که مرکب از وزیر و عده‌ای مستوفی و کارمند و محاسب بود. وزارت رسایل خاصه یا وزارت داخله شامل وزیر و منشیان و مستوفیان بود.

منابع درآمد دولت از طریق مالیات بود که تا زمان فتحعلی شاه ده درصد بود که شاه آن را دو برابر نمود ولی عملاً تا ۳۰ درصد می‌رسید. مالیات از دام‌ها و افراد خانوار، زمین‌ها، ایلات و مالیات تغییر جا و مکان که به صورت جنسی و نقدی بود، دریافت می‌گردید.

پس از انقلاب مشروطه قوانین مالیات مدون گردید و از اصناف (به جز علماء، مستخدمین دولتی که از پرداخت آن معاف بودند) به صورت مستقیم و نقدی دریافت می‌شد. و از نمک، تریاک، الکیات، وسایل نقلیه، دخانیات و مستغلات به صورت غیرمستقیم مالیات دریافت می‌گردید. گمرکات نیز تا قبل از مشروطه به اجاره داده می‌شد که از صادرات و واردات مالیات دریافت می‌شد. درآمدهای مستقیم دیگر دولت از عواید تلگرافخانه‌ها، پستخانه‌ها، خالصجات یا املاک دیوانی و ضرابخانه و معادن حاصل می‌گردید.

سالها حسابداری به عنوان رشته‌ای قابل قبول برای تدریس در دانشگاه شناخته نمی‌شد. تا سال ۱۳۳۳ ه.ش در هیچ دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی حسابداری رسماً تدریس نمی‌شد. ... متأسفانه در ایران آن زمان، اغلب افراد به جهت عدم اطلاع کافی از محتوای دروس مزبور، علوم مالی و حسابداری را در سطح سایر رشته‌های دانشگاه به حساب نمی‌آوردند. ... محتوای رشته حسابداری، اهمیت و لزوم آن در انتظام امور سازمانها و تأثیر آن در پیشرفت کشور، سالها همچنان ناشناخته باقی ماند. در سال ۱۳۳۴ ه.ش که داوطلب تدریس حسابداری در دانشگاه شدم، یکی از اولیای دانشگاه گفت شک دارد جایگاه تدریس حسابداری در دانشگاه باشد، و اضافه کرد در گذشته هم حسابداری در سال ششم رشته تجارت دبیرستانها تدریس می‌شده است و اگر حسابداری را رشته‌ای دانشگاهی بشناسیم بزودی داوطلبانی هم برای تدریس خانه‌داری، گله‌داری و باغداری پیدا می‌شوند؛ دانشگاه را تدریس حساب کافی است. از سوی دیگر، چارچوبهای مفهومی با مشکل دیگری نیز مواجهند. بیشتر بخشهای چارچوبهای مفهومی هیئت استانداردهای حسابداری مالی در دو دهه پیش تهیه شده‌اند. از آن زمان فعالیتهای تجاری و مالی دستخوش تحولات و تغییرات عمیقی شده و به نحو روزافزونی پیچیده‌تر گشته است. در نتیجه، بیشتر موضوعات در دنیای امروز متفاوت و پیچیده‌تر از موضوعاتی است که در زمان تدوین چارچوب مفهومی وجود داشته است. به این دلیل در بعضی از موارد روزآمد کردن چارچوب مفهومی ممکن است هم مطلوب و هم مورد نیاز باشد تا با موضوعات امروز و فردا تطابق یابد.

منابع:

- مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- سازمان حسابرسی
- نشریه تحلیلی پژوهشی سازمان حسابرسی
- بدالرسول رحیمی، پاییز ۱۳۸۸ (حسابداری و حسابرسی در دوران ایران باستان)
- آزمون، جواد، فرایند حسابداری معکوس، انتشارات شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر، سال ۱۳۸۵
- خدیو جم، سیدحسین، مفاتیح العلوم، انتشارات سازمان فرهنگی و علمی، سال ۱۳۸۳
- صدری افشار، غلامحسین، تاریخ ریاضیات، جلد دوم، سال ۱۳۷۳
- شاهمیری، امیر شهاب، واژگان ایرانی در فناوری، ضمیمه روزنامه جام جم، کلیک، سال ۱۳۸۸
- شهریاری، پرویز، سرگذشت ریاضیات، نشر مهاجر، سال ۱۳۸۰
- کریم آبادی، حسین، نظام حسابداری و حسابرسی در ایران باستان، مجله دنیای اقتصاد، عضو جامعه حسابداران رسمی ایران، سال ۱۳۸۵
- فرقاندوست حقیقی، اوزان و مقادیر در ایران باستان، انتشارات بازتاب، سال ۱۳۸۴
- روزنامه همشهری، شماره ۴۵۶۷، سال شانزدهم، سال ۱۳۸۷
- رجبی، پرویز، از زبان داریوش، انتشارات کارنگ، سال ۱۳۷۶
- محمدی فر، یوسف و محمدی فر، یعقوب، نگاهی بر شیوه‌های کنترل حساب و نظارت مالی در عصر باستان، مجله علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، سال هجدهم شماره ۳، پاییز ۱۳۸۵

کتابها

- بررسی نظام مالیات اراضی در دوره قاجار علی و کریم یعقوبی زمستان ۱۳۸۹
- حسابداری استهلاک، سازمان حسابرسی، اولین چاپ ۱۳۷۱، چاپ هفتم، ۱۳۸۰
- بررسی تحلیلی یا استفاده از تجزیه و تحلیل صورتهای مالی در حسابرسی، سازمان حسابرسی، ۱۳۷۹
- فرهنگ اصطلاحات حسابداری (انگلیسی - فارسی)، سازمان حسابرسی، جلد اول، ۱۳۷۶
- اصول حسابداری، دانشگاه تهران، با تجدید چاپ به دفعات ۱۳۴۰
- تجزیه و تحلیل صورتهای مالی، سازمان حسابرسی، ۱۳۶۶
- حسابداری بازرگانی، دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی، ۱۳۵۴
- تهیه بودجه بازرگانی و صنعتی، انتشارات فروردین ۱۳۶۵

مقالات

- منتخبات حسابرِس (فصلنامه حسابرِس شماره ۲۳، بهار ۱۳۸۳)
- مصطفی علی مدد: اندیشمندی پرمایه، پرکار و پربار (فصلنامه حسابرِس شماره ۱۶، مهر و آبان ۱۳۸۱)
- نرفته‌ام (فصلنامه حسابرِس شماره ۲۳، بهار ۱۳۸۳)
- نوبت من نیست (فصلنامه حسابرِس شماره ۳، بهار ۱۳۷۸)
- به یاد دوست (مجله حسابداری، شماره ۱۳۲، شهریور ۱۳۷۸)
- چگونه تدریس حسابداری در دانشگاه برای اولین بار شروع شد (فصلنامه حسابرِس شماره ۴ و ۵، پاییز و زمستان ۱۳۷۸)
- واژه سرنوشت ساز (فصلنامه حسابرِس شماره ۱، زمستان ۱۳۷۷)

